

رفرمیسم جان سخت در درون جنبش کارگری و مدافعان آن

یادِ رُزا گرامی باد

بنفشه کمالی

با گرامی داشت ۵ مارس سالروز تولد رزا لوکزامبورگ، یادش را گرامی می‌داریم، رُزا این زن متفکر و انقلابی و چهره **ارزنده** جنبش کمونیستی- کارگری جهان، نمونه‌ی والای مقاومت و مبارزه و سازش‌ناپذیری در برابر سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی و نوکران رفرمیست - سوسیال دموکرات و سوسیال شونیست آن بوده؛ خصوصاً مبارزه بی‌امان او با انحرافات نامبرده و درک درست او از جدایی‌ناپذیری این پدیده جدید، یعنی امپریالیسم از سرمایه‌داری بود که رهبران بزدلی چون کائوتسکی نتوانستند هرگز به درک این مقوله برسند. نظرات بسیار ارزشمند و رادیکال و تأثیرگذار او در جنبش کارگری_ سوسیالیستی، غیر قابل انکار و قابل ستایش می‌باشند.

رفرمیسم؛ در اشکال مختلف، خطر و زیان‌های آن برای جنبش کارگری

" بورژوازی لیبرال با یک دست اصلاحات می‌دهد و با دست دیگر همیشه، آنها را پس می‌گیرد، به هیچ‌تنزل می‌دهد و از آنها برای به بردگی کشیدن کارگران، ایجاد چنددستگی در میان آنان و جاودانه کردن بردگی مزدی بهره می‌جوید. به این دلیل، رفرمیسم حتی اگر صادقانه باشد، به سلاخی مبدل می‌شود که بورژوازی با آن، کارگران را فاسد و تضعیف می‌کند. تجربیات همه کشورهای نشان می‌دهد کارگرانی که به رفرمیست‌ها اعتماد کنند همواره **فریب می‌خورند** برعکس، کارگرانی که **تنوری مارکس** را جذب کرده‌اند، یعنی اجتناب‌ناپذیری بردگی مزدی را تا هنگامی که سرمایه‌داری مسلط است، دریافته‌اند، با هیچ‌گونه اصلاحات بورژوایی **تحقیق** نمی‌شوند. کارگران با درک این که هر جا سرمایه‌داری وجود دارد، اصلاحات نه می‌تواند دیرپا باشد و نه عمیق، برای شرایط بهتر می‌رزمند و از اصلاحات برای تشدید مبارزه با بردگی مزدی استفاده می‌کنند. رفرمیست‌ها میکوشند کارگران را به تفرقه بکشند و فریب بدهند، توسط امتیازات کوچک، آنها را از مبارزه طبقاتی منحرف کنند. اما کارگرانی که آنسوی ظاهر دروغین کنند رفرمیسم را می‌بینند، از اصلاحات، برای تکامل و توسعه مبارزه طبقاتی استفاده می‌کنند. **هر چه نفوذ رفرمیستی** در بین کارگران قویتر باشد، طبقه کارگر **ضعیف‌تر، وابستگی** اش به بورژوازی بیشتر، و بی‌خاصیت کردن اصلاحات با نیرنگ‌های مختلف، برای بورژوازی سهل‌تر خواهد بود. هر اندازه که جنبش طبقه کارگر **مستقل‌تر**، اهدافش **عمیق‌تر** و **وسیع‌تر**، و از کونه بینی رفرمیستی آزادتر باشد، ابقا و بهره‌برداری از بهبودها برای کارگران آسانتر خواهد بود. در همه کشورهای رفرمیست‌ها وجود دارند زیرا بورژوازی در همه جا بدنبال آن است که به طریقی کارگران را فاسد کند و آنها را به بردگانی خشنود تبدیل کند که هرگونه فکر‌رهایی از بردگی مزدی را کنار بگذارند. (و.ا. لنین، چاپ شده در پروادا ترودا، بازنویسی با استفاده از ترجمه سهراب شباهنگ منتشر شده توسط اتحادیه مارکسیست‌ها و متن **انگلیسی** " شماره ۲، دوازدهم سپتامبر ۱۹۱۳ " [Pravda Truda](http://Pravda.Truda)

واکنش‌های گوناگون به تصمیم هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران و حومه

از بازتاب علنی اولین اطلاعیه هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران و حومه در مورد برکناری منصور اسانلو در تاریخ ۲ بهمن ۱۳۹۱ حدود بیش از ۴۰ روز می‌گذرد. در این مدت جریانات، گرایش‌ها و افراد مختلف که بخش‌ها شامل رفرمیست‌ها - سانتر یست‌ها و افرادی دارای سمت‌گیری چپ بوده‌اند؛ با حمله به هیئت مدیره سندیکا، تفکرات سانتریستی و رفرمیستی خود را به شکل بارز و حیرت‌آوری نشان داده و با انتشار و بازتاب مطالبی مبنی بر وارد کردن اتهاماتی از قبیل اطلاعاتی بودن اطلاعیه، اتهام اینکه هیئت مدیره تکیه بر روی

مسائل اخلاقی نموده و اسلامی بودن آن و نیز اتهاماتی از قبیل غیردموکرات بودن و قدرت طلب بودن هیئت مدیره به آنان وارد کرده و سعی در بی اعتبار کردن تصمیم آنان و دوستداران هیئت مدیره را داشته اند.

درمقابل این برخوردهای مخرب، خوشبختانه رفقا و فعالین راستین و صادق و سوسیالیست جنبش کارگری - سوسیالیستی و روشنفکران انقلابی همراه و دلسوز طبقه کارگر، از موضع طبقاتی درست و آگاهانه و سوسیالیستی و درک و تبیین و تحلیل درست طبقاتی و آگاهانه از شرایطی که پدید آمده بود، به درستی به این پدیده برخورد کرده و پاسخ این نوشته ها را با متانت و با شفافیت انقلابی داده و به رسالت تاریخی خویش که دفاع از بخش آگاه طبقه کارگر و پشتیبانی از تصمیم درست هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد بود پرداختند و به درستی در مقابل سیل اتهامات رفرمیست ها - سانتریست ها ایستادند و از موضع درست و انقلابی از تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد دفاع نمودند (مجموعه کامل این نوشته ها در آرشیو سایت آزادی بیان که ویژه برکناری منصور اسالو است موجود می باشد علاقمند می توانند برای اطلاع بیشتر و دقیق تر از موضع گیری های موافقین و مخالفین به این آرشیو مراجعه نمایند (۱) همانطور که انتظار می رفت رفقای انقلابی و روشنفکران سوسیالیست و موافق تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد، مورد خشم و غضب و برخوردهای کینه توزانه و انواع افتراها و توهین ها از طرف رفرمیست ها - سانتریست ها در جنبش چپ - کارگری قرار گرفتند. اما ادامه روند وقایع و پروسه حرکت منصور اسالو نشان داد که این نوع برخوردهای کینه توزانه و نادرست علیه تصمیم هیئت مدیره سندیکا و علیه موافقین تصمیم هیئت مدیره و علیه و روشنفکران سوسیالیست؛ تنها در کینه ورزی و غرض ورزی این افراد نهفته نبوده، بلکه به گرایش جان سخت رفرمیسم - سانتریسم در جنبش چپ و کارگری و آنان نیز باز می گردد که سابقه ای چندین و چند ساله دارد و بطور مشخص و بارز و عریان به دوران پیش از جنگ جهانی اول در جنبش کارگری - سوسیالیستی بر می گردد (به قبل از سال های ۱۹۰۰) بر می گردد. به اضافه این که رفرمیسم در جنبش کارگری ایران نیز سابقه ای طولانی دارد که بیان تاریخچه آن متأسفانه در این نوشتار نمی گنجد و در نوشتار دیگری، قطعاً در آینده به آن خواهیم پرداخت. موضع گیری های خصمانه بخشی از نیروها و گرایشات و افراد " چپ " در قبال تصمیم هیئت مدیره سندیکا شرکت واحد نه بر اثر ناآگاهی و احساسات زودگذر و ندانم کاری این جریانها و احزاب و افراد، بلکه بخاطر نزدیکی فکری و همراهی نظری آنها با ایده ها و خواست ها و آمال رفرمیستی منصور اسالو و در دفاع و همراهی با او و دیدگاه های رفرمیستی آنان سرچشمه می گرفته.

تحولات جدید در رابطه با موقعیت اسالو

بعد از درج اطلاعیه هیئت مدیره سندیکا و برخوردهای هیستریک مخالفین آن، دیری نپایید که منصور اسالو مواضع و جهت حرکت آینده خویش را در مصاحبه اخیر خود با تلویزیون رها، در همکاری با بورژوازی (دشمن طبقاتی طبقه کارگر) به طور واضح و آشکار بیان نمودند و با اعلام همکاری با طرح جدید بورژوازی، طرحی را که اعلام آن با پیش مقدمه ای توسط امیر حسین جهانشاهی (همکارو هم پالکی سازگارا، عبدالله مهدی نوری زاده و کارگزار سر مایه داری امپریالیستی و عنصری بغایت ضد کارگری و ضد کمونیست و دست راستی می باشد) بنیانگزار حرکت ضد کارگری و بورژوایی موج سبز، قبل از گفتگوی تلویزیون رها با آقای اسالو مطرح و بیان شد که این پیش مقدمه و پس از آن مصاحبه خود آقای اسالو (یکم مارس ۲۰۱۳) نقطه عطفی در سرنوشت و حرکت آینده آقای منصور اسالو، بعد از برکناری و خروج ایشان از ایران می باشد. حرکتی که رفرمیسم - سانتریسم موجود در بخشی از گروه ها و

افراد "چپ" در مورد برکناری و خروج او تا چندی پیش به شدت انکار می کردند و هنوز هم بعضاً این کار را می کنند. و سر سخته سعی در انکار و پوشاندن و ندیده گرفتن آن داشته و هنوز نیز دارند. این تصمیم آقای اسانلو، یعنی شروع پیوستن به جبهه بورژوازی _ به شکل دردناکی با آن مقدمه چینی بیان شده توسط عنصر ارتجاعی _ ضد کارگری و ضد کمونیست و امپریالیستی ای به نام آقای امیرحسین جهانشاهی، موقعیت و موضع آقای منصور اسالو را بطور روشن و عریان در پیش روی جهانیان و طبقه کارگر ایران قرار داد. برای مخالفان تصمیم هیئت مدیره سندیکا و مدافعان آقای منصور اسانلو همه چیز روشن گردید و الان دیگر طبیعتاً باید جای انکاری برای آنان در رابطه با برکناری ایشان و اهداف خروج اسانلو و وجود نداشته باشد. اصولی، درست و مطابق با پرنسپب های انقلابی است که مخالفان تصمیم هیئت مدیره سندیکا باید مواضع خود را تصحیح کرده - البته اگر صادقانه برخورد کنند- و از خود در برابر طبقه کارگر، کارگران هم‌رزم آقای اسانلو و جنبش کارگری _ سوسیالیستی و هیئت مدیره سندیکا از خود انتقاد کنند. در این رابطه خود آقای اسانلو بیان روشنی از جهت و حرکت آینده خود ارائه دادند که اتفاقاً او در آن جهتی که می خواهند در آینده حرکت کنند را خیلی صادقانه بیان کردند و طرح همکاری خود را با نهادهای بورژوازی - ضد کارگری و ضد کمونیستی و امپریالیستی (بخشا از زبان آقای جهانشاهی) آشکار ساختند و و به این طریق آب سردی روی دست تمام کسانی که از او قهرمان بی بدیلی ساخته بودند ریخت. اسانلو با مصاحبه اخیر خود با تلویزیون رها که فیلم آن در یوتوب موجود است، کعبه آمال خود را که جامعه و نظام سرمایه داری و همراهی کامل با بورژوازی باشد (فرقی ندارد، سبز و سیاه و یا نارنجی و صورتی) را انتخاب نموده و نظرات خود را در رابطه با این انتخاب بیان کردند (اسانلو ادعا های آقای جهانشاهی را در مورد همکاری با ایشان تاکنون رد نکرده اند). متأسفانه هنوز هم رفرمیست ها و سانتریست ها روی نظرات انحرافی خویش در تطهیر منصور اسانلو و دشمنی و مخالفت با هیئت مدیره سندیکا و روشنفکران سوسیالیست موافق و همراه هیئت مدیره پافشاری می کنند، برای منصور اسانلو دل می سوزانند و نامه های سوزناک و رقیقانه برای او می نویسند تا شاید که او را به راه درست هدایت کنند. (از کسانی که همیشه سعی کرده اند که لنین را فردی منفور و دیکتاتور جلوه دهند، و مبارزان را تخریب و اتفاقات تاریخی _ سوسیالیستی و تاریخ مبارزات طبقه کارگر آگاه را وارانه جلوه دهند، انتظاری بیش از این نمی رود) اینان به غلط فکر می کنند که اسانلو فریب خورده و یا نادان است

وظایف کارگران آگاه، سوسیالیست های انقلابی و روشنفکران سوسیالیست

مسئله مهم و حیاتی برای طبقه کارگر این است که آگاه به منافع طبقاتی خویش گشته و شناخت بهتری از دشمنان طبقاتی خویش بدست آورد، و دید روشن و شفاف از ایده ها و تفکرات و خواست های نهایی رفرمیست ها کسب کند. طبقه کارگر باید خود را به سلاح آگاهی مسلح کند و بداند که رفرمیست ها، دوستان طبقاتی او نیستند و در جهت عکس منافع طبقاتی او گام بر می دارند. و دقیقاً با موضع گیری و تفکرات منصور اسانلو، اساساً هم جهت و همسو می باشند. منصور اسانلو در واقع نمود آشکار و واضح و بی پرده رفرمیسم (ایده بورژوازی) در درون جنبش کارگری است و افشای تفکرات و اهداف و خواست های این گونه رهبران و سمبل ها و نموده های رفرمیستی؛ وظیفه کمونیست ها و روشنفکران سوسیالیست انقلابی و کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود در درون جنبش کارگری می باشد زیرا که : **رفرمیسم**، گرایش **بورژوازی** در درون طبقه کارگر می باشد. رفرمیست ها ایده انقلاب سوسیالیستی قهر آمیز را رد کرده و تفکر انقلابی تغییر از ریشه . بنیادی نظام سرمایه داری و شکستن ماشین دولتی و براندازی انقلابی _ قهرآمیز نظام سرمایه داری را قبول نداشته و

انقلاب اجتماعی را رد کرده و پدیده‌های مربوط به گذشته می‌دانند. در عوض، آنان، مدافع و مبلغ این تفکر ضد انقلابی (رفرمیستی) در بین اقشار مختلف طبقه کارگر می‌باشند مبنی بر این که: او (طبقه کارگر) می‌تواند از طریق فقط رفرم و به تدریج و با تغییرات روبنایی، یعنی بدون تسخیر قدرت سیاسی قهرآمیز و بدون برپایی دیکتاتوری پرولتاریا از سرمایه داری به سوسیالیسم برسد. در طول تاریخ مبارزات طبقه کارگر و جنبش کمونیستی - سوسیالیستی؛ متأسفانه رفرمیسم در شکل‌های مختلف ظاهر گشته است منجمله؛ در شکل، سوسیال شونیسیم؛ رویزیونیسم، اکونومیسم؛ سوسیال دموکراسی؛ اتحادیه‌گرایی به **عنوان هدف نهایی نه برای خواست‌های موقت و کوتاه مدت**؛ و اعتقاد به ترویج و تبلیغ این ایده نادرست و غیر مارکسیستی که مسائل و مشکلات طبقه کارگر در چهارچوب سیستم استثمار سرمایه داری حل خواهند شد.

در پایان

متأسفانه منصور اسانلو اکنون گام در راهی گذاشته است که او را در کنار ضد انقلاب و علیه طبقه ای که خود از او برخاسته است قرار می‌دهد. طبیعتاً این جهت‌گیری او برای همه فعالین جنبش کارگری - سوسیالیستی و همکاران و هم‌زمان سابق او و تمام هم طبقه‌ای‌های ایشان بسیار دردناک و به صورتی غیر قابل باور می‌باشد و به گونه‌ای تجربه‌ای تراماتیک (استرس‌زا پس از سانحه) برای آنان است، خصوصاً هم‌زمان سابق ایشان. اما با تأسف باید پذیرفت که او به طبقه خویش و به کارگران هم‌زم خود پشت کرده است و الان در جهت منافع متضاد این طبقه شروع به برداشتن گام‌های اولیه نموده است. هر چند که این تغییر جهت طبقاتی، پدیده تازه و جدیدی در جنبش کارگری ایران و جهان نیست، اما همیشه و در همه حال مایه تأسف می‌باشد. در ایران و در سایر نقاط دنیا از این نمونه‌ها فراوان بوده و خواهد بود. معروف‌ترین آنها، لخ والسا کارگر لهستانی بود که در سال‌های ۸۰ میلادی با وجود در دست داشتن رهبری هزاران کارگر عضو اتحادیه همبستگی لهستان که او را به مثابه قدرت مافوق و جادویی تصور می‌کردند، در نهایت خود را بطور کامل در خدمت بورژوازی امپریالیستی و کلیسای کاتولیک قرار داد.

بنفشه کمالی ۵ مارس ۲۰۱۳

(۱) http://www.azadi-b.com/J/2013/01/post_256.html